

# ترک شیرازی

پژوهش از: مهدی صدری

تلخیص از: سید محسن عمادیان

دبیر فرهنگ ساری

□ در فصل‌نامه‌ی آینه‌ی میراث شماره‌ی ۲۳، ویژه‌ی نقد کتاب و کتاب‌شناسی و اطلاع‌رسانی در حوزه‌ی تصحیح متون ادبی، مقاله‌ی از آقای «مهدی صدری» پژوهشگر متون ادبی و تاریخی، در حدود پانزده صفحه، ممتّع و منقّح، درباره‌ی بیته‌ی از سردفتر رندان عالم «خواجه حافظ شیرازی» نوشته‌اند، چون جالب و جاذب بود، خلاصه و چکیده‌ی آن را به تحریر خودم، به سمع و نظر خوانندگان عزیز می‌رسانم «تا که قبول افتد و چه در نظر آید.»

حافظ در دیوان غزلیات خود، در هفده غزل، نوزده بار کلمه‌ی «تُرک» و جمع آن «ترکان» و یا به صورت ترکیباتی از این قبیل: ترک شیرازی، ترک سیه‌دل، ترک پری‌چهره، ترک مست، ترک لشکری، ترک ما، ترک عاشق‌کش، ترک قباپوش، ترک شهرآشوب، چشم ترک و ترک سمرقندی را به کار می‌برد. ایشان را عقیده بر آن است که در مطلع غزل:

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را

به خال هندویش بخشم، سمرقند و بخارا را  
کلمه‌ی ترک به معنی زیبا و زیبارو است، اما نه ترک زیباروی  
اهل شیراز فارس و مقیم شیراز، بلکه ترک و زیباروی شیراز  
سمرقند و در ادامه می‌فرمایند: «یک شیراز، همان شیراز فارس  
است و دیگری، شیراز نزدیک سمرقند که از نژاد ترک هستند:  
خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم

کز نسیمش بوی جوی مولیان آید همی»  
و ترک‌ها هم اغلب زیبارو و خوش‌بر و بدن هستند. چنان‌چه  
حضرت مولوی در مثنوی معنوی و شریف خود می‌فرمایند:

ساربانان بند بگشا از اشتراک

شهر تبریز است و کوی دلبران  
اما شارحان دیوان حافظ بدین معنی به این صراحت و صراوت  
نرسیده‌اند.

۱- مرحوم دکتر غنی در باب ترکان پارسی‌گوی، از قول حافظ  
می‌فرمایند: خود لحن هم بر نمک معشوق می‌افزاید (و لحن یعنی  
کسی که مثلاً عربی را غلط حرف بزند.)

۲- مرحوم استاد زریاب خوبی در همین مورد می‌فرمایند:  
ترکان پارسی‌گو که حتماً در آن زمان در شیراز بوده‌اند به لهجه‌ی  
صحبت می‌کنند که در نظر فارسی‌زبانان، حُسن و نمکی داشته  
است.

۳- سودی در شرح خود می‌فرماید: ترک شیراز، باقیمانده‌ی  
سپاهیان هلاکوخان است که در شیراز فارس توطن جسته، تولید  
نسل نموده‌اند.

۴- شادروان دکتر حسینعلی هروی در «شرح غزل‌های حافظ»،  
همین نظر سودی را با شرح و بسط بیش‌تر می‌آورد.

۵- مرحوم معین می‌فرماید: غلامان و کنیزان ترک نژاد زیبا  
بودند.

۶- استاد بهاء‌الدین خرمشاهی در این مقوله دو بیت از سعدی  
را می‌آورند:

ز دست ترک ختایی کسی جفا چندان

نمی‌برد که من از دست ترک شیرازی

و:

آن کیست کاندز رفتش صبر از دل ما می‌برد

ترک از خراسان آمده از پارس یغما می‌برد

اینک در پایان مقال، به عنوان حسن ختام و بشاشتِ خاطر  
خوانندگان، ابیاتی از کهنه رند شیراز که در آن ترک و دیگر  
ترکیباتش آمده، برای تغییر ذائقه می‌آورم:

بیا که ترک فلک خوان روزه غارت کرد

هلال عید به دور قدح اشارت کرد

\* \* \*

به تنگ چشمی آن ترک لشکری نازم

که حمله بر من درویش یک قبا آورد

\* \* \*

حافظ، چو ترکِ غمزه‌ی تُرکان نمی‌کنی

دانی کجاست جای تو، خوارزم یا خجند

\* \* \*

یار این بچه‌ی ترکان چه دلیرند به خون

که به تیر مژه هر لحظه، شکاری گیرند

\* \* \*

سوختم در چاه صبر از بهر آن شمع چِگَل

شاه ترکان فارغ است از حال ما، کو رستمی؟

ترسم آزرده شوی ورنه سخن بسیار است. ■